



مروری بر تاریخچه و روند شکل گیری عمارت باغ فردوس تهران

فریبا سادات مفتخری قویدل ، علیرضا دودانگی *

پژوهشگر مطالعات شهری ، ایران ، تهران (f.moftakhari@gmail.com)

کارشناس معماری ، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی ، ایران، تهران (Ali1.Dodangi@gmail.com)

چکیده

در دوره قاجار، هم به واسطه علایق و خصوصیات قومی و هم به دلیل سنت های تداوم یافته دربار، باغ سازی مورد توجه فراوانی واقع شد. در تهران که در آن زمان پایتخت و محل حضور شاه، درباریان و شاهزادگان بود، باغ های بسیاری ساخته شد. باغ فردوس از جمله این باغ ها بود که پس از ورود محمدشاه قاجار به تهران، توسط یکی از درباریان در نزدیکی قلعه محمدیه پی ریزی شد. این باغ سالیان بسیاری مورد توجه بود و خاندان معیرالممک و مالکان دیگر باغ در تکمیل و بهسازی آن تلاش بسیار کردند. تا آن جا که برخی این باغ را به نام باغ معیری می شناختند. اکنون از باغ جز عمارتی که توسط معیرالممالک (داماد ناصر الدین شاه) در آن ساخته شده و در حال حاضر به موزه سینما اختصاص یافته و قسمتی از محوطه اطراف این عمارت چیزی باقی نمانده است. اگرچه بخش های گسترده ای از باغ منفک شده و تغییر کاربری یافته است، اما به نظر می رسد بنا به مجموعه اسناد و مدارک باقی مانده می توان ساختار اصلی باغ و شکل آن را بازیابی کرد. در این پژوهش تلاش می شود با مطالعه متون و اسناد تاریخی و بررسی وضعیت باقی مانده باغ و بافت شهری پیرامون آن، محدوده باغ و ساختارهای درون آن بازشناسی شود. از کنار هم قرارگیری اطلاعات توصیفی و تصویری به دست آمده و انطباق آنها بر وضعیت موجود شهری، خطوطی از چهره اصلی باغ فردوس را نشان می دهد. بهره گرفتن از خطوط باقی مانده در بافت موجود و حذف برخی عناصر متأخر برای نیل به نتیجه ضروری بوده است. نتیجه یافتن اطلاعات و قراردادن آنها در نقشه امروزی نمایش ساختار فضایی باغ است و شکل مرکب آن را آشکار می سازد و تاحدودی سیر تغییر و تحولات آن را گوشزد می کند. این نتایج نشان می دهد که باغ فردوس به مرور در پهنه ای وسیع در محدوده شمیرانات و در قالب سه بخش باغ اصلی، باغ اندرونی و باغ قلمستان شکل گرفته است.

واژه های کلیدی : باغ فردوس، ساختار فضایی، شیوه باغ آرایی قاجاری



مقدمه

توسعه شهر تهران چه در درون حصار ناصری و چه در بیرون آن، سرنوشت بسیاری از باغ های قاجاری را دستخوش تغییرات گسترده کرده است. یکی از این نمونه ها ی پرشمار باغ فردوس شمیران است که خوشبختانه بخش کوچکی از آن هنوز باقی مانده است. این بخش باقی مانده در حقیقت همان موزه سینما و پارکی است که این موزه را به خیابان ولیعصر متصل کرده ، می توان این ادعا را داشت که سبک معماری و تزئینات منحصر به فرد عمارت اصلی این باغ از مهم ترین عواملی هستند که سبب شدند تا این باغ و سابقه ی آن به فراموشی سپرده نشود. حضور باغ درشکلی جدید، در عین حال موجب شده است تا تصویری از باغ در ذهن ایجاد شود که چندان با اصل خود انطباق ندارد. این پژوهش با رجوع به منابع تاریخی و معماری که در ادامه معرفی خواهند شد، تلاش دارد تا ساختار و شکل کلی و درعین حال ساختاراصیل باغ را بازیابی و معرفی نماید. در حقیقت این پژوهش می کوشد تا به یک سری از پرسش ها در مورد هویت این باغ پاسخ دهد و پرسش اصلی تحقیق ، به این صورت قابل طرح است که با توجه به تغییر و تحولات باغ فردوس در دوره قاجار و پس از آن و با در نظر گرفتن آنچه امروز از آن باقی مانده است، شکل اصیل باغ چگونه بوده و نحوه همنشینی آن با بستر و محوطه اطراف به چه صورت بوده است .

روش تحقیق:

مقاله مذکور تحت عنوان مروری بر تاریخچه و روند شکل گیری عمارت باغ فردوس تهران به شیوه توصیفی - تحلیلی، کتابخانه ای و میدانی تدوین گشته. که از سه بخش اصلی، معرفی و بیان سابقه تاریخی و نیز تحلیل عناصر معماری ، تشکیل شده است . آنچه باعث انتخاب این موضوع شده ، روشن شدن سرگذشت این اثر فاخر در طول تاریخ و نیز همچنین پی بردن به جایگاه اجتماعی این شاهکار عظیم و برجسته می باشد .

موقعیت و نحوه شکل گیری

امروزه باغ فردوس نام محله ای است که بر اساس آخرین مرز بندی از شمال به میدان تجریش ابتدای خیابان ولیعصر، از جنوب به بزرگراه مدرس، مریم شرقی (فرشته)، از شرق به خیابان های دربندی، شاهد و انتهای آفریقا و از غرب به چهارراه پارک وی و خیابان ولیعصر منتهی می شود، مساحت کل این محله 1933028 متر مربع می باشد. در رابطه با محدوده زمانی شکل گیری این محله نمی توان اظهار نظر قطعی کرد ولی این گونه که به نظر می رسد زمان شکل گیری محله به دوره پادشاهان قاجاریه یا شاید قبل از آن بر میگردد و از مهم ترین علل شکل گیری این محله همانند بسیاری از محلات شمیران آب و هوای مساعد و دارا بودن زمین های حاصلخیز کشاورزی می باشد. [48]

در رابطه با ساختمان کالبدی محل می توان گفت که این محل دارای ساختمان های تاریخی بسیاری بوده است که البته عمده آن ها در چند دهه اخیر تخریب شدند اما آن هایی که باقی مانده اند عمدتاً متعلق به دوره ی قاجاریه می باشند. و این موضوع نشان دهنده قدمت و ارزش اجتماعی این محل در آن زمان می باشد. از آثار ارزشمند به جا مانده می توان به حمام قدیمی در میدان تختی، آب انبار واقع در مسجد قائم، عمارت باغ فردوس، باغ بزرگ الهیه، موزه دکتر حسینی و..... اشاره کرد. این محل دارای سه قنات پر آب می باشد که عبارتند از: قنات فخر الدوله در داخل باغ فخرالدوله، قنات قلاب واقع در خیابان طوس و قنات فردوس واقع در خیابان ولیعصر که البته این سه هنوز هم به قوت خود باقی هستند و بسیاری از خانه های این منطقه از آب این قنات ها برای اشامیدن استفاده می کنند. در خصوص وجه تسمیه این محل می توان گفت که قنات فردوس به دلیل اهمیت و پر آبی آن در زمان گذشته و وجود باغ های زیاد اطراف آن دلیل اصلی نامگذاری این محل به باغ فردوس می باشد.



اما با نگاهی به متون و اسنادی که در آن‌ها به این باغ اشاره شده، می‌توان دریافت که آنچه اکنون به آن باغ فردوس اطلاق می‌شود، تنها بخشی از یک باغ وسیع و تاریخی است. آن گونه که در اسناد تاریخ اشاره شده، به طور کلی اراضی میان اسدآباد و ولنجک (از طرف شمال) و الهیه (از طرف جنوب) و دره تجریش (از طرف مشرق) و محمودیه (از طرف مغرب)، جزء زمین های این باغ بوده است. [53] اعتمادالسلطنه در بیان وقایع سال 1263 ه.ق بیان می‌کند که جدّ معیرالممالک به دستور محمدشاه درحوالی اسدآباد و ولنجک اقدام به برپایی قلعه محمدیه کرده است. (اعتماد السلطنه، 1364:1663) در این نوشته اعتماد السلطنه از باغ فردوس در کنار اسد آباد، که یک محله بوده نام برده. که پیش از برپایی باغ محمدیه وجود داشته است. عبدالله مستوفی نیز در کتاب «شرح زندگانی» من به این نکته اشاره می‌کند [52].

بنابراین، باغ فردوس را نیز می‌توان یکی از آبادی هایی دانست که پیش از یکپارچه شدن شمیران و اتصال آبادی ها به یکدیگر به عنوان یکی از مناطق خوش آب و هوا و بیلاقی مورد توجه تاجران و ثروتمندان بوده است. معتمدی در این باره می‌گوید: وقتی محمدشاه در سال 1264 ه.ق شروع به ساختن قصر محمدیه در شمیران کرد، هریک از رجال دربار او در همان محدوده اقدام به احداث باغ و عمارت بیلاقی کردند؛ از جمله این باغ ها باغی در نزدیکی تجریش بود که بعداً نام باغ فردوس بر آن نهاده شد [53]. منوچهرستوده نیز اشاره می‌کند که این باغ دارای چندین دستگاه ساختمان مجلل و با عظمت بوده که یکی از آن ها قصر محمدیه نام داشته است [48] در نگاهی کلی به صحبت‌های منوچهرستوده و معتمدی، این طور به نظر می‌آید که باغ فردوس نام منطقه وسیعی بوده که بعدها قصر محمدیه و به دنبال آن قصر های درباریان در آن ساخته شده است. ولی برای برتری بخشیدن کاخ ها و عمارت های مخصوص شاه این منطقه سرسبز و بیلاقی را به دو بخش تقسیم کردند. نام یکی از بخش‌ها را باغ محمدیه گذاشتند و نام دیگری را تغییر نداده و گذاشتند همان باغ فردوس سابق بماند. یعنی بخشی از باغ فردوس اصلی را از آن جدا کردند و باغ محمدیه نامیدند. بعدها باغ محمدیه متروک و مخروبه شد اما باغ فردوس تا مدت ها پس از آن آباد ماند.

امروزه آنچه از آن باغ های اشرافی و مجلل تحت عنوان باغ فردوس شناخته می‌شود، تنها بخش کوچک و تغییر یافته ای از ساختار اصیل باغ است. عمارت اصلی باغ اکنون به موزه سینما تغییر کاربری یافته و از استخرهای آن اثری باقی‌نمانده است تنها عنصری که از محوطه عمارت از آن دوره باقی مانده حوض ابی است که مقابل عمارت قرار دارد. این حوض با در نظر گرفتن فرایند شکست نور طراحی شده است و در نوع خود بی نظیر و بی همتا می‌باشد. که بررسی شیوه عملکرد آن در این مقال نمی‌گنجد. در پی این تغییر کاربری ها، تغییراتی نیز برای همساز شدن باغ و عمارت اصلی آن با کاربری جدید رخ داده که چهره باغ را دگرگون کرده است؛ از جمله این تغییرات می‌توان به ساخت بناهایی ناسازگار با ساختار اصیل باغ و مداخلاتی در بنای اصلی باغ فردوس اشاره کرد یکی دیگر از این گونه تغییرات، تفکیک زمین های باغ و تغییر مالکیت آن‌هاست. بخش اعظم زمین های باغ پس از تغییر مالکیت برای ساخت بناهای مسکونی استفاده شده‌اند، بخشی از جنوب باغ برای ساخت مدرسه تفکیک شده است و قسمتی از آن هم به عنوان «موسسه لغت نامه دهخدا» و «مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران» مورد استفاده قرار می‌گیرد. تنها ردپایی که دنبال کردن آن، ساختار اصیل باغ و قدمت آن را نمایان تر میکند، درختان کهنسال باغ هستند که در جای جای باغ امروزی و حتی بیرون از آن در کنار خیابان های اطراف دیده می‌شوند. همان طور که بعداً در بخش مربوط به بررسی خیابان ها گفته خواهد شد، برخی از خیابان‌های امروزی بر خیابان‌های اصیل باغ منطبق هستند.

نگاهی به سیر تحولات باغ

همان طور که در بخش های پیشین گفته شد، باغ فردوس پس از عمارت محمدیه، برای درباریان محمدشاه ساخته شد. منوچهر ستوده حاج میرزا آقاسی (حاجی ملاعباس ایروانی معروف به حاجی میرزا آقاسی، آخرین صدر اعظم محمد شاه قاجار) را پایه گذار این باغ می داند و چنارهای کهن باغ را یادگار حسنعلی میرزا (ششمین فرزند فتحعلی شاه و حاکم وقت تهران (از سال 1218)) برمی شمارد. [48] البته شایان ذکر است که در جغرافیای تاریخی تهران نیز همین مطلب مورد اشاره قرار گرفته، با این تفاوت که نام حاکم تهران حسینعلی میرزا ذکر شده است. تصویر شماره 2: حاجی ملاعباس ایروانی معروف به حاجی میرزا آقاسی، آخرین صدر اعظم محمد شاه قاجار بنیانگذار عمارت باغ فردوس [50]



البته دوستعلی خان معیرالممالک شروع ساخت این باغ را به گونه ای دیگر روایت می کند: «چون حسینعلی خان معیر الممالک وزیر مالیه و خزانه سلطنتی بود و..... و می بایست گاه و بی گاه در کنار حضرت باشد، لازم دید محلی مناسب نزدیک قلعه محمدیه برای خود و کسانش تأمین نماید. بنابراین، چندخانه رعیتی و مقداری زمین زراعی و بایر را از صاحبانش خریداری نمود و به ایجاد ساختمان، خیابان بندی و درخت کاری همت گماشت. عمارتی دوطبقه به سبک آن دوران که «فیلگوش» نامیده می شد بنا نهاد و آن جا را (باغ فردوس) نام گذاشت». [57] با این حال، همه متون و اسناد تاریخی بر این ادعا که دوران مالکیت دوستعلی خان نظام الدوله، فرزند حسینعلی خان، دوران طلایی باغ بوده و در این زمان بسیار به باغ و زیبایی آن اهمیت داده می شده است، صحنه می گذارند. عمارت بسیار زیبایی که در حال حاضر نیز در باغ به چشم می خورد، توسط نظام الدوله در بخش جنوبی باغ فردوس ساخته شده است. پس از نظام الدوله، باغ فردوس نیز مانند مناصب و مشاغل دولتی و بخش بزرگی از دارایی های خانوادگی به پسرش دوست محمدخان رسید؛ اما ظاهراً دوست محمدخان که فردی خوش گذران و بی مبالا بود، به امورات باغ نیز مانند امور کاری توجه چندانی نشان نمی داد اعتمادالسلطنه در شرح خاطرات خود در سال 1304 ه.ق این مسئله را بیان می کند: «.....هجده سال بود که این باغ را ندیده بودم، تمام درخت ها افتاده، عمارت خراب شده، در حقیقت تبدیل شده به وادی برهوت! آن وقت که نظام الدوله معیر الممالک، در این باغ بودند و بر امور آن نظارت داشتند سجده گاه مردم بود.....» [42]

همچنین علی اکبرین عبدالجلیل چاپارباشی "درباره ی باغ فردوس در دوران مالکیت دوستعلی خان معیرالممالک چنین می نویسد: «باغ فردوس معیری که معیرالممالک نظام الدوله ی مرحوم کرورها خرج عمارت و باغ آن کرد و حقیقتاً حکم فردوس طهران را داشت در این دو سال نه تنها از بی مبالائی و ناقص عقلی و لجاجت فرزند ناخلفش معیرالممالک ثانی، به کل از حلیه آبادی افتاد بلکه پارسال و امسال هرروز صد نفر عمله، هریک روزانه صد تومان ضرر فاحش زده، به حکم آن ناخلف پسر تمام آن عمارت را کوبیده و درختان قوی هیکل آنجا را که هریک در رفعت و بلندی با چرخ برین همسری می نمود از بیخ و بن بریده به سوخت مطبخ و کارخانه

تماماً آتش زده بسوخت و باغ به آن ظرافت که در بیست سال قبل محل حسد و حیرت مردمان هوسکار بود؛ امروز مسکن دد و دام گردیده، ضربالمثل و محل عبرت هر ناظر و بیننده است. [44]

همچنین «دیولافوا» نیز در همان دوره از این عمارت باز دید کرده و در این باره در سفرنامه‌ی خود در ۱۲۹۹ ه.ق چنین می‌نویسد «در اطراف تجریش، باغ‌ها و عمارات زیادی وجود دارد یکی از آنها «باغ فردوس» است. در وسط این باغ بزرگ که پر از چنارهای قطور و بلند است قصر ناتمامی دیده می‌شود که در شرف خراب شدن می‌باشد داخل عمارت تالاری وجود دارد ازاره‌های تالار، به شکل نوارهای عقیق مانند رنگ شده و درها از جنس چوب سدر به نظر می‌رسد و با عاج، خاتم کاری شده است، کف اتاق‌ها را با خاک پر کرده اند و کوبیده اند و حتی با آجرهای معمولی هم فرش نکرده اند به نظر می‌آید که کف پوش‌های آن را کنده اند و دزدیده اند. این بنا به واسطه بی‌مواظبتی در شرف انهدام است ده سال دیگر بام‌ها خراب و بیست سال دیگر قصر مبدل به تپه‌ی خاکی خواهد شد» [47]

بنابر این اغلب مدارک بر این مطلب تأکید می‌کنند که دوست محمدخان اصلاً به املاک پدری اش اهمیت نمی‌داده بلکه بیش تر املاک پدری را فروخته و پول حاصل از آن را در سفرهایی که به فرنگ داشته، خرج کرده است. پس از دوست محمدخان باغ چندین بار دست به دست شد. این که اول بار چه کسی باغ را از دوست محمد خان خریده است و تاریخ دقیق تغییر مالکیت‌های باغ مشخص نیست؛ اما ستوده تعدادی از مالکان کوتاه مدت باغ را نام می‌برد: محمدولی خان سپهسالار تنکابنی، آخرین فردی بود که باغ را خریداری کرد، وی آبادانی‌های بسیار در این باغ انجام داد؛ از جمله اینکه قنات باغ را دایر کرد و سردر باغ را از نو بنا کرد. [48]

اما وی در اوایل دوره پهلوی اول به دلیل بدهی‌های بسیار و توقیف اموالش دست به خودکشی زد و براساس مدارک یافت شده وارثان سپهسالار باغ فردوس را به جای بدهی پدر خود به تجارتخانه طومانیانس واگذار کردند. پس از آن در همان دادگاه این باغ به جای طلب دولت از تجارتخانه طومانیانس، در اختیار وزارت دارایی یا مالیه آن زمان درآمد. به علت این که خریداری برای فروش کل باغ پیدا نشد، وزارت مالیه تصمیم گرفت تا زمین‌های باغ را به صورت اقساط به کارمندان دولت بفروشد؛ به جز عمارت باغ فردوس و 20250 مترمربع زمین وابسته به آن و بیست ساعت آب از قنات فردوس که در سال 1315 ش. به وزارت معارف فروخته شد. عمارت پس از تعمیر به عنوان دبیرستان برای رفاه همان کسانی که زمین‌ها را خریده بودند کاربری جدید یافت. پس از انقلاب اسلامی آنچه از باغ فردوس باقی مانده بود، در اختیار مرکز فیلم سازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت.



تصویر شماره 3: محمدولی خان سپهسالار تنکابنی [50]

ورودی ها و خیابان های باغ

باغ فردوس با توجه به موقعیت قرارگیری و هم جواری آن با باغ های دیگر و مسیرهای رفت و آمد احتمالاً ورودی های متعددی داشته است. ستوده در مقاله « باغ فردوس » به هفت ورودی باغ اشاره میکند؛ دو در در شمال، سه در در جنوب، یک در در مشرق و یک در در مغرب [48] با توجه به این که باغ فردوس تقریباً هم زمان با قصر محمدیه و به قصد نزدیکی به دربار ساخته شد، بنابراین دور از ذهن نیست که ورودی اصلی باغ نیز در ضلع شمالی آن که نزدیک به این قلعه است، قرار داشته باشد. محمدعلی معیری نیز اشاره کرده است که در بزرگ ورودی باغ فردوس به فاصله تقریبی دویست قدم آن سوی قلعه محمدیه واقع بود. [57] همچنین در عکسی که در سال 1296 ه. ق توسط احمد شاه برداشته شده نیز همین سردر را نشان می دهد (تصویر شماره 4) در این تصویر، با توجه به جهت شیب زمین که در عکس دیده می شود، و همچنین وجودناشتن هیچ درختی در پشت بنای سردر و جهت ورودی اتاق های عمارت سردر که مسلماً باید از داخل باغ باشد، این نکته فهمیده می شود که عکس مورد بحث از داخل باغ و رو به سردر برداشته شده است و همچنین با توجه به منظره کوه پشت سر، که در حال حاضر نیز در چشم انداز شمالی باغ قابل مشاهده است، می توانیم بگوییم سردری که در عکس دیده می شود، در قسمت شمال باغ قرار داشته است.



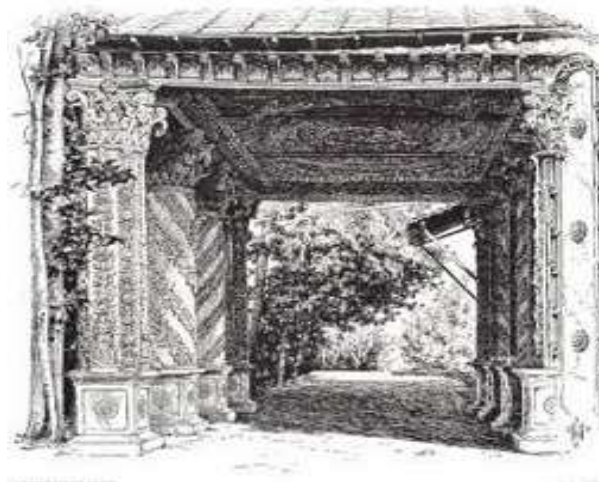
تصویر شماره 4: عکسی از سردر باغ که در سال 1296 توسط احمد قاجار برداشته شده است. [50]

با توجه به اسنادی که وجود دارد باغ فردوس ورودی دیگری نیز در سمت جنوب داشته است. منوچهر ستوده اشاره می کند که سپهسالار عمارت و باغ را آباد و قنات آن را دایر کرد و سردری عالی در جلوی میدانگاه فعلی (مظهر قنات) ساخت. [48] در عرصه قدیم باغ فردوس می توان دو مظهر قنات در شمال و جنوب باغ مشاهده کرد. اگر قناتی را که در این نوشته از آن یاد شده است، قنات جنوبی باغ فرض کنیم که در زمان سپهسالار برپا شده است، میدانگاهی که ستوده در سال 1365 از آن به عنوان میدانگاه فعلی صحبت می کند، به احتمال بسیار زیاد همان میدانگاهی است که در منتهی الیه جنوبی باغ و در مرز میان آن با منطقه الهیه قرار دارد. بنابر این منظور ستوده از سردری که سپهسالار ساخته است، سردری است که در بر میدانگاه جنوب باغ قرار داشته است.

ساموئل بنجامین که در فاصله سال های 1301 - 1303 ه. ق در ایران حضور داشته، در میان نقاشی هایی که از ابنیه مختلف ترسیم کرده، ساختمان رواق گونه ای را نیز تحت عنوان ورودی باغ فردوس ترسیم کرده است. در این نقاشی در ب ورودی دیده نمی شود اما می توان حدس زد که در ب ورودی، عمود بر رواق کوتاهی که نقاش در امتداد آن ایستاده است قرار دارد. اگر چنین باشد

ممکن است در اصلی درامتداد محور باغ قرار داشته بوده باشد. به نظر می رسد این چهار ستون که رواقی کوتاه و عمود بر درب اصلی را شکل می دهند و درعین حال از نظر شکل و تزئینات هم عیناً چون بخش میانی نمای عمارت اصلی هستند، به طور دقیق در محور عمارت مذکور یا دست کم در تقارن منظری با آن قرار گرفته باشند.

با تمام این توصیفات می توان نتیجه گرفت که این رواق بخشی از یک سردر خانه است که خود در بر شمالی محوطه نیم دایره ای میدانگاه جنوب باغ ساخته شده است. روشن است که چنین ساختاری در معماری دوره قاجار نا آشنا به نظر نمی آید. دست کم نمونه هایی از این نوع بنای سردر را می توان در ورودی کاخ سبز در مجموعه سعدآباد تهران مشاهده کرد. تنها نکته ای که در این مسئله وجود دارد، زمان احداث سردر است که ستوده آن را در زمان سپهسالار یعنی آخرین مالک باغ می داند؛ با توجه به نقاشی بنجامین در سال 1301 ه.ق و زمان مأموریت وی در ایران و با در نظر گرفتن این که در این زمان باغ هنوز متعلق به دوست محمدخان معیرالممالک است، می توان حدس زد که احتمالاً سپهسالار که بعد از سال 1329 ه.ق باغ را خریداری کرده، سردر مخروبه باغ را تعمیر کرده یا سردری جدید به جای آن ساخته است.



تصویر 5: تصویری که ساموئل بنجامین در 1301 ق. از ورودی باغ فردوس ترسیم کرده است [45]

از طرفی از میان عکس هایی که از باغ فردوس بر جا مانده است یکی از تصاویر کاملاً مشابه تصویری است که ساموئل بنجامین از سر در باغ فردوس ترسیم نموده اما عکاس در توضیحات پشت این عکس این مطلب را قید کرده که تصویر مربوط به ایوان شمالی عمارت باغ فردوس می باشد بنابراین این با مشاهده این دو تصویر در کنار هم به تقارن و شباهت بسیار زیاد تزئینات ورودی عمارت و ورودی باغ پی می بریم.



تصویر 6: تصویری که در بازه زمانی میان سال های 1311 الی 1318 هجری قمری از سر در عمارت گرفته شده است [50]

بنابر این همانطور که توضیح داده شد ساختار باغ و به خصوص محل های قرارگیری خیابان های آن، به مرور دچار تغییراتی شد و مخصوصاً پس از آغاز فروش زمین ها، این تغییرات شدت یافت و به مرور با تقسیم زمین های آن و توسعه شبکه عبور و مرور، خیابان های اصیل باغ در بافت جدید محو شدند. ولی با این حال قطعات مهمی از باغ مانند عمارت اصلی و قسمت هایی از باغ اطراف آن که در زمان فروش زمین های باغ تصمیم به محافظت از آن گرفته شد و مقداری از باغ اندرونی و عمارت داخل آن که توسط دکتر محمود افشار خریداری شده بود، باقی ماندند.

براساس اظهار نظر ستوده می توان چنین برداشت کرد که باغ اصلی دست کم دارای دو خیابان طولی سراسری و بلند در دو جانب شرقی و غربی خود بوده است که به واسطه شیب زمین در برخی نقاط آن پله هایی تعبیه شده و در دو جداره خیابان های یاد شده نیز درختان چنار کاشته بودند [48]. برخی از این چنارها هنوز هم در محوطه و کوچه های پیرامون دیده می شوند. اگر این مطلب را در کنار جهت و سوی عمارت بازمانده و سردری که از آن صحبت شد قرار دهیم و با توجه به چنارهای باقی مانده در محلی که اکنون به پارک تبدیل شده است و به احتمال فراوان در گذشته خیابان اصلی و بخشی از میان کورت باغ بوده است. به این نتیجه دست خواهیم یافت که باغ یا دست کم بخشی از آن ساختاری طولی در جهت شمالی- جنوبی داشته است. همچنین، این خیابان ها ساختار شیب دار و مطابق باغ را نمایش می داده اند. با توجه به این که در زمان فروش زمین های باغ، خیابان ها از سایر زمین ها جدا شده و به فروش نرسیدند. و مسیرهای جدید رفت و آمد نیز بر همان مسیرهای پیشین ساخته شدند، می توان بعضی از خیابان های باغ را از روی عکس های هوایی شناسایی کرد. در تصاویر زیر سعی شده است تا با شناسایی ساختار اصیل خیابان های باغ، محل آنها در عکس های هوایی سال های 1335 و 1393 نشان داده شود.



تصویر شماره 7: مشخص نمودن ردپای خیابان های اصیل باغ در بافت موجود در سال 1335؛ (مأخذ: سازمان نقشه برداری کشور)
تصویر شماره 8: مشخص نمودن ردپای خیابان های اصیل باغ در بافت موجود در سال 1393 (منبع عکس: Google earth)

منابع آب و نحوه گردش آن

آب مورد نیاز باغ فردوس از دو قنات محمدیه (مجیدآباد) و قنات باغ فردوس تأمین می شده است. درباره شیوه آبیاری و گردش آب باغ فردوس کمتر مطلبی گفته شده است. بنجامین که در سال 1301 ه.ق این باغ را دیده است، می گوید که در اینجا برخلاف سایر امکانه ایران نه حوضی است و نه جویی و در یک طرف آن در زیر درخت ها آخورهای آجری برای اسب ساخته اند [45] البته ممکن است باغ در آن دوره که بنجامین آن را دیده، حوض یا مسیرهایی برای نمایش آب نداشته اما با توجه به این نکته که قناتی که برای آبیاری باغ استفاده می شده است در شمال آن قرار داشته، و با توجه به شیب زمین به احتمال زیاد جوی یا جوی هایی برای آبیاری وجود داشته که چندان جلوه ای نداشته است. در یادداشت های دوست علی معیری که توسط فرزندش محمدعلی معیری در مقاله ای به چاپ رسیده است نیز به آب نماها و حوض هایی اشاره می شود که در تخت های متعددی که در جنوب عمارت به آورده بودند، ساخته شده بود: «برابر نمای جنوبی عمارت کنونی زمینی وسیع و سراشیب بود که آن را با ساختن سنگ چین ها به صورت هفت قطعه مسطح درآوردند که هریک را با دیگری چند متر اختلاف سطح و مساحت بود. آن گاه روی هریک از قسمت ها استخری با فواره ایجاد نمودند. استخرها به نسبت وسعت زمین و فاصله از عمارت بزرگ و بزرگ تر می شد و جهش فواره ها از ایوان طبقه دوم منظری بس دلگشا داشت» [57] البته اکنون یک تصویر از بخش جنوبی باغ موجود است که نشان دهنده یک استخر مجهز به فواره می باشد ولی از آن جا که تاریخ دقیق برای این تصویر مشخص نشده نمی توان گفت که این استخر یکی از همان هفت استخری است که دوستعلی معیری در مورد آن صحبت می کند.

معیری در جای دیگری نیز به یک استخر در سمت شمالی عمارت اشاره می کند و استخرهای باغ را ساخته شده توسط دوستعلیخان نظام الدوله می داند [58].

احتمالاً استخرهای باغ در زمان دوست محمدخان و به دلیل بی توجهی و عدم رسیدگی متروک مانده و به مرور تخریب شده است؛ چراکه در هیچ یک از عکس هایی که در این دوره از بنا تهیه شده است، هیچ استخر و جوی آبی مشاهده نمی شود. عکسی که در سال 1296 ه. ق از سمت جنوبی عمارت برداشته شده (تصویر 9)، زمین وسیع مستطیلی صاف و بدون درختی را نشان می دهد که اطراف آن گیاهانی که به نی شباهت دارند روئیده اند که می تواند نشانی از یکی از استخرهای چندگانه قدیمی و جوی های باغ باشد که به تدریج ویران شده و با خاک تسطیح شده اند. تخریب استخرها در این زمان ممکن است به دلیل کم آب بودن قنات محمدیه نیز باشد که به عنوان منبع آب باغ استفاده می شده است؛ چراکه بعد از این زمان تنها در زمان مالکیت سپهسالار تنکابنی است که توصیفات از استخرهای باغ شده و این زمانی است که سپهسالار قنات جدید باغ فردوس را ساخته است.

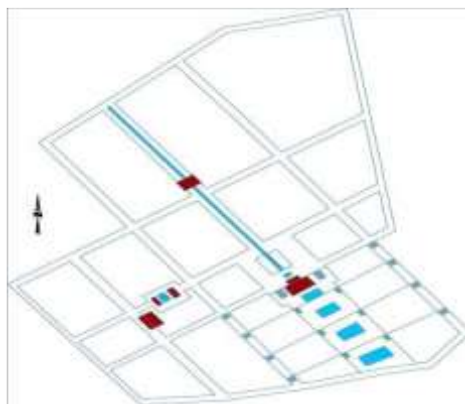
تصویر شماره 9: بخش جنوبی باغ فردوس





تصویر شماره 10: عکسی که در سال 1296ه. ق از نمای جنوبی عمارت باغ فردوس برداشته شده است. [50]

گرچه ستوده سپهسالار را سازنده استخرهای باغ می‌داند اما با توجه به مطالبی که پیشتر ذکر شد، می‌توان حدس زد که سپهسالار پس از احداث قنات جدید، استخرهای پیشین باغ را احیاء نموده یا این که دوباره استخرهایی مشابه آنچه پیش از آن در باغ وجود داشته به وجود آورده است. از این گونه مطابق کردن محوطه باغ و ایجاد استخرهای وسیع در طبقات آن در برخی باغ های دیگر تهران مانند باغ صاحبقرانیه (نیاوران) و قصر قاجار نیز شواهدی در دست است. مشاهده دقیق عکس های هوایی مشخص می‌کند که تا سال 1358 استخر جنوبی عمارت باغ وجود داشته و در محل استخر شمالی هم یک حوض کوچک ساخته شده بوده است. علاوه بر این ها استخری که در حال حاضر نیز در محوطه پشتی «موقوفات دکتر افشار» و در «مؤسسه لغتنامه دهخدا» به چشم می‌خورد، از استخرهای اصیل باغ به شمار می‌رود. در حال حاضر تنها یک حوض کوچک در شمال عمارت اصلی و جوی آب متصل به آن، مسیر گردش آب مجموعه را تشکیل می‌دهند که هیچ یک از آنها شباهتی به نمونه های اصیل خود ندارند. موقعیت فرضی استخرهای باغ و جوی های آن، به صورتی که از مطالعه اسناد موجود قابل درک است در نقشه زیر نشان داده شده است (تصویر 10



تصویر شماره 11 : نقشه ای از باغ فردوس شامل باغ اصلی و باغ های هم جوار آن که محل تقریبی استخرها و جوی آب باغ در آن نشان داده شده است.



درختان باغ

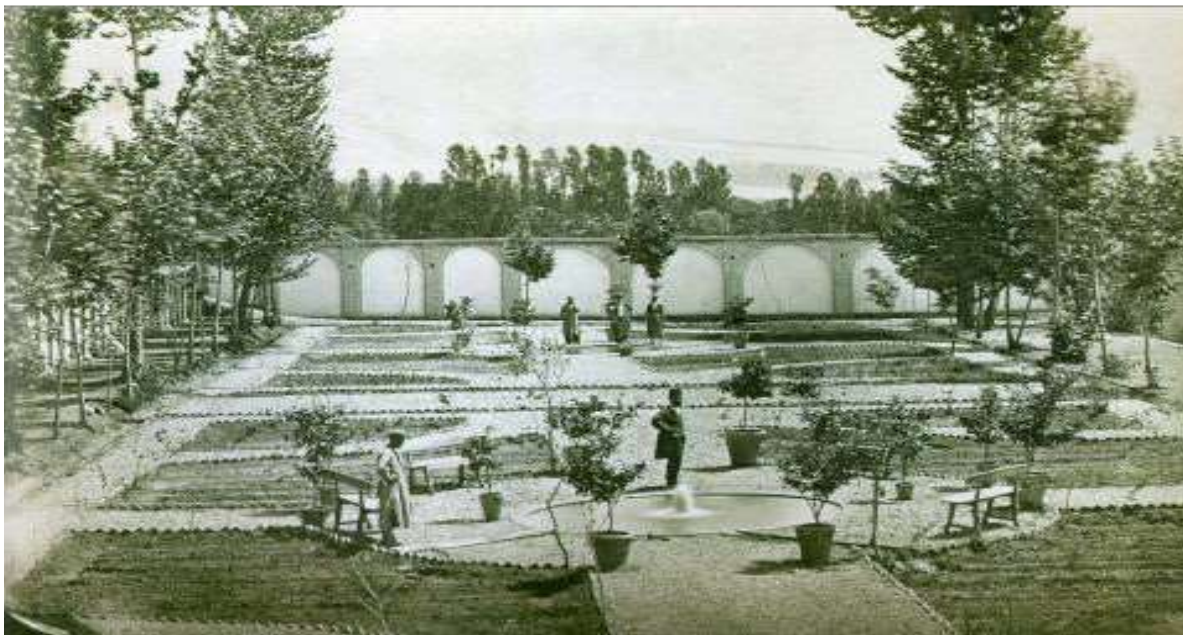
در باغ فردوس بیشترین گونه درختی که در منابع مختلف اعم از منابع تصویری و نوشتاری به آن اشاره شده، درخت چنار است. همان طور که پیش از این نیز گفته شد، اولین مالک باغ تعداد قابل توجهی چنار در باغ کاشته است. در زمان دوست علیخان نظام الدوله یعنی دومین مالک باغ، کسی که بیشترین آبادانی را در باغ انجام داد، نیز باغ پر از درختان چنار بوده است. مدرکی که باغ را در این زمان توصیف کند در دست نیست، اما از توصیفات آنی که در زمان دوست محمدخان فرزند دوست علی خان از باغ شده و عکس هایی که از آن زمان موجود است، نکات مبهم بسیاری شکل می گیرد. از جمله این مدارک، چنان که پیشتر نیز به آن اشاره شد، توصیفات بنجامین است که در سال 1301 ه. ق باغ را دیده و توصیف کرده است. او به انبوهی از درختان چنار در سمت جنوبی عمارت باغ اشاره می کند که جنگل انبوهی از چنار را ایجاد کرده اند و در ادامه می گوید که این درخت ها را به گونه ای مرتب کاشته اند که وقتی شخصی از عمارت نظری بر آن بیندازد، سطحی مخملی مانند می بیند. در میان این درخت ها عمارت وسیعی است مزین به باغچه های گل و در عقب عمارت اراضی وسیعی هست و چنارهای عالی که مانند ستون بالاکشیده بر این اراضی سایه می افکند. [45] مسئله مبهم در اینجا عکس هایی است که از باغ فردوس پیش از سال 1301 ه. ق وجود دارد. در این تصاویر، در سمت جنوبی عمارت یکی از تخت های باغ که کاملاً خالی از درخت است به چشم می خورد. از آنجایی که قسمت جنوبی باغ به چندین تخت که هر کدام با دیگری چند متر اختلاف سطح داشته است تقسیم می شدند و با توجه به دلایل موجود برای وجود استخرهای متعدد در این سمت از باغ ممکن است درختان اشاره شده تنها در پایین ترین تخت و در منتهی الیه جنوبی باغ وجود داشته اند. دوستعلی خان معیرالممالک نیز در کتاب «وقایع الزمان، خاطرات شکاریه» به چنارهای باغ فردوس اشاره می کند.

دیولافوا نیز از جمله کسانی است که در سال 1299 ه. ق. باغ فردوس را دیده و در سفرنامه خود اشاره کرده است که در وسط باغ که پر از چنارهای قطور و بلند است، قصر ناتمامی دیده می شود که در شرف خراب شدن است. [47] در هر حال، بسیاری از این درختان در زمان دوست محمدخان معیرالممالک از بین رفتند. اعتمادالسلطنه در شرح خاطرات خود در سال 1304 ه. ق این مسئله را بیان میکند. [42]

علی اکبر بن عبدالجلیل چاپارباشی هم در نوشتار خود در باب جغرافیای شمیران، مشابه همین نظر را درباره باغ فردوس در این زمان ارائه می دهد. «...پارسال و امسال هر روز صد نفر عمله هریک روزانه صد تومان ضرر فاحش زده به حکم آن ناخلف پسر تمام آن عمارت را کوبیده و درختان قوی هیکل آنجا را که هریک در رفعت و بلندی با چرخ برین هم سری می نمود از بیخ و بن بریده، به سوخت مطبخی و کارخانه تماماً آتش زده بسوخت» [44] تعدادی از این درختان چنار تاکنون نیز باقی مانده اند و دیدن برخی از این درختان کهن در مواردی می تواند مدرکی برای یافتن ساختار مبهم باغ در میان کوچه ها و خیابان های امروزی شهر باشد. (تصویر 11) در این باغ مانند باغ های دیگر، گیاهان دیگری غیر از چنار هم کاشته می شده است. علی اکبر چاپارباشی از درختانی مانند توت، ازگیل، سیب، گلابی، زردآلو، آلوچه و... که کاشت آن ها در شمیران و باغهای آن معمول بوده است یاد میکند و جالب است که برای اولین بار بذر گوجه فرنگی در ایران در محوطه های این باغ کاشته شده است. [44]



تصویر شماره 12: دو چنار کهن باغ فردوس که در خیابان های اطراف باغ باقی مانده اند؛ عکس از بخش جنوبی خیابان بخشایش است که خیابان طولی جانب غربی باغ اصلی بوده است



تصویر شماره 13: عکسی که در سال 1296 ه.ق از محوطه شرقی عمارت باغ فردوس برداشته شده است (سمسار، 1386:212)

بناهای باغ

از ابتدای برپایی باغ فردوس تاکنون بناهای متعددی در این باغ ساخته شده است. اولین عمارت این باغ، بنا بر دست نوشته های دوستعلی خان معیرالممالک، عمارتی دوطبقه بوده که در زمان محمدشاه قاجار توسط حسینعلی خان معیرالممالک و به سبک فیلیگو بنا نهاده شد [57]. این بنا که در شمال باغ قرار داشت پس از ساخته شدن عمارت دوم توسط دوست علی خان نظام الدوله متروک ماند و به مرور تخریب شد. عمارت دوم که بنای اصلی باغ محسوب می شده است، همان بنایی است که تاکنون باقی مانده است و اکنون به عنوان موزه سینما استفاده می شود. از چگونگی این عمارت در زمان شکوه آن اطلاعات دقیقی در دست نیست. ستوده عمارت اصلی باغ را ساخته دست استادان اصفهانی و یزدی می داند [48]. دیولافوا نیز که باغ را در زمان خرابی آن دیده و آن را بنایی نیمه تمام توصیف میکند، و به نقاشی های روی دیوارهای عمارت اشاره میکند و آن ها را کار یک نقاش مبتدی ایتالیایی می داند [47]. بنجامین برخلاف دیولافوا از زیبایی های باغ و عمارت مکرراً اظهار شگفتی می کند و توصیف مفصلی از عمارت ارائه می دهد که می توان نکاتی را از متن او دریافت :

- 1- وسعت و رفعت بنا که آن را با باغ و چنارهای بلند اطراف متناسب میکند.
 - 2- ایوان هایی با ستون های کم تعداد و قطور با گچبری های عالی با نقوش گیاهان که وی آن ها را امتداد مناظر باغ اطراف می داند.
 - 3- تالارهای طبقه سوم که دو سوی آن ها به جهت تهویه، دالان های باز قرار داده شده و با درهای ارسی منبت با بیرون ارتباط دارند. همان طور که گفته شد، در زمان دوست محمدخان باغ و عمارت آن به دلیل بی توجهی و عدم استفاده صحیح دچار خرابی های بسیار شد. بنجامین نیز به این تخریب ها اشاره میکند [45].
- ستوده نظری مشابه دارد و اشاره میکند که دوستعلی خان به باغ و ساختمان آن اهمیتی نمی داد و هر وقت به بیلاق می آمد، نزدیک مظهر قنات زیر چنارها چادر میزد و از پاتوق های شکار او بود و اتاق هایی که نزدیک به قنات وجود داشت، آبدارخانه آن مرحوم بود و بعدها که برای شکار به سوهانک می رفت سبب شد که این ساختمان رو به خرابی گذاشت و سنگ های مرمر بنا به عمارت امیریه (مدرسه نظام فعلی) برده شد [48].



تصویر شماره 14 : عکسی از نمای شمالی عمارت باغ فردوس در سال 1311 ق؛ (سمسار، 1386: 209)



تصویر شماره 15: عکسی از نمای شمالی عمارت باغ فردوس در سال 1296 ق؛ (سمسار، 1386:208)
علاوه بر این متون، تصاویری نیز از باغ در سال های مختلف تهیه شده که گویای بسیاری از نکات است. از جمله این تصاویر، عکس هایی از نمای جنوبی و شمالی عمارت مربوط به سال های 1296 ه. ق و 1311 ه. ق است. (تصاویر 8 و 9 و 13 و 14) در عکس های مربوط به سال 1296 ه. ق دو دهنه از سه دهنه قوس های تالارهای دو سمت سالن اصلی طبقه سوم بنا برداشته شده (با تخریب شده) و پس از آن احتمالاً برای جلوگیری از بارش باران روی سقف طبقه پایین با سقف های شیروانی و به صورت کاملاً ناسازگار با معماری عمارت پوشانده شده است. در عکس مربوط به سال 1311 ه. ق. تالارهای دوطرف با چهاردهنه طاق قوس که کاملاً جدید هستند، بازسازی شده است. علاوه بر تصاویر یادشده، تصویری هم از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به دست آمد که تاریخی برای آن ذکر نشده است اما به گمان قوی این عکس تصویری از عمارت در زمانی پس از تخریب کامل تالارها و پیش از بازسازی دوباره آنها ارائه میکند (تصویر شماره 15).



تصویر شماره 16: تصویری از نمای جنوبی و غربی عمارت باغ فردوس در زمان قاجار؛ (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)



جمع بندی و نتیجه گیری

البته نکات دیگری نیز از این عکس ها دریافت می شود. به عنوان مثال سنگ های مرمر ازاره ها و بدنه بنا که در تصویر 1296. ق برداشته شده و در تصویر 1311. ق ترمیم شده اند و پله های جلوی عمارت که در ابتدا بسیار ساده بوده و سپس در فاصله سال های 1296. ق تا 1311 ه. ق به شکلی جدید تغییر یافته است.

ایوان های دوسوی سالن اصلی بنا که در نوشته های بنجامین اشاره شده که به دلایل اقلیمی و برای ایجاد تهویه بوده است، در دوره پهلوی و به دستور رضاشاه فضای بسته تبدیل شد [49] در این دوره در مراحل مختلف، تعمیراتی نیز در عمارت انجام شد و در نهایت در سال های اخیر نیز پس از تبدیل کاربری این بنا به موزه سینما، برای تطبیق با کاربری جدید، تغییرات جزئی مانند نورپردازی داخل و خارج عمارت، پوشاندن دیوارهای داخلی با گچ، تقسیمات داخلی با دیوارهای سبک، تغییر کف سازی اتاق ها و از این جمله در بنا به وجود آمد. مطمئناً به جز این عمارت، بناهای دیگری نیز در باغ وجود داشته اند؛ اما مسلماً از لحاظ اهمیت هیچ یک از آن ها به پای عمارتی که بحث آن رفت نمی رسیده اند. یکی از این ها عمارت اندرونی بوده که در باغ اندرونی استقرار داشته است. از شکل این بنا اطلاعاتی موجود نیست. ستوده ساختن اندرونی و حمام سمت غرب باغ را منسوب به امین الملک و ساخته شده در سال 1318 ه ق می داند [48] ولی معیری می گوید که اندرونی موسوم به «رشک بهشت» توسط دوستعلی خان نظام الدوله در جنوب غربی باغ ساخته شده است. [58] در هر صورت، ستوده این بنا را ساختمانی یک طبقه با سقف شیروانی و با مساحت تقریبی هزار مترمربع توصیف میکند [48] از کل این بنا در حال حاضر تنها دو ستون آجری در حد شمالی و جنوبی ایوانی مشرف به یک استخر باقی مانده است که در جای خود و در داخل محوطه «موقوفات دکتر افشار» نگهداری شده و کتیبه ای روی یکی از آن ها نصب شده که تاریخچه آن ها را به طور خلاصه بازگو می کند.



منابع و مراجع :

- 1 - زکی، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه خلیلی، تهران، اقبال، 1366، چاپ اول، ص 2-62.
- 2 - کریستی ویلسون، تاریخ صنایع ایران، ترجمه فریاد، تهران، فرهنگسرا، بی تا، ص 54-210.
- 3 - تاجبخش، احمد؛ تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجاریه، شیراز، نوید شیراز، 1380، ص 14.
- 4 - کیانی، محمدرضا؛ معماری دوره قاجاریه، تهران، سمت، 1379، ص 116.
- 5 - بنجامین، س، ج، ایران و ایرانیان، ترجمه حسین کردبچاپه، تهران، جاویدان، 1363، ص 223.
- 8 - قبادیان، وحید؛ معماری در دارالخلافه ناصری، تهران، 1384، ص 18.
- 9 - نیلفروشان، محمدرضا؛ معماری ایران از آغاز تا دوره قاجار، اصفهان، 1386، ص 95.
- 10 - تاریخچایه معماری، آموزش و پرورش، 1352، ص 43.
- 11 - اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، 1363، ص 88.
- 12 - مصطفوی، تقی، آثار تاریخی تهران، تهران، گروس، 1361، ص 54.
- 13 - مصطفوی، تقی، آثار تاریخی تهران، تهران، گروس، 1361، ص 56.
- 14 - اعتماد السلطنه، محمدحسن خان؛ مآثر الآثار، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، 1363، ص 105.
- 15 - قبادیان، وحید؛ معماری در دارالخلافه ناصری، تهران، 1384، ص 25.
- 16 - قبادیان، وحید؛ معماری در دارالخلافه ناصری، تهران، 1384، ص 56.
- 17 - بزرگ نیا، زهره؛ معماران ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی، 1383، ص 255-261.
- 19 - احسانی، محمدتقی، جلدها و قلمدانهای ایرانی و نگارگری، تهران، امیرکبیر، 1382.
- 20 - امرایی، مهدی، ارسی پنجره های رو به نور، تهران، سمت، 1383.
- 21 - پاکباز، رویین، دایرةالمعارف هنر (نقاشی، پیکر سازی و هنر گرافیک)، تهران، فرهنگ معاصر 1387.
- 22 - پیرنیا، محم دکریم، مصالح ساختمانی، آزند، اندود، آمود در بناهای کهن ایران، تالیف، تدوین و تعلیق.
- 23 - زهره بزرگمهری، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، 1381.
- 24 - دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران، 1377.
- 25 - سیف، هادی، نقاشی روی گچ، تهران، سروش، 1379.
- 26 - شاردن، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمائی، جلد دوم، تهران، توس 1374.
- 27 - شکراللهی، احسان الله و داوود نظریان، مصحف بهارستان، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی 1388.
- 28 - عطروش، طاهره، بت هجقه چیست، تهران، سیبال هنر، 1385.
- 29 - قبادیان، وحید، معماری در دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر تهران)، تهران، پشتون، 1383.
- 30 - کارلاسرنا، مادام، آدم ها و آیین ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، نقش جهان، 1362.
- 31 - مجموعه مقالات سومین کنگره معماری و شهرسازی ایران (سومین : 1385 : بم).
- 32 - برزگر، ماریا (1386) "معماری ورودی در خانه های قدیم ساری "مسکن و انقلاب، شماره 120.
- 33 - توسلی، محمود (1375) " اصول طراحی شهری و فضاهای مسکونی) جلد اول و دوم " (تهران، وزارت مسکن و شهرسازی).
- 34 - پرچمی عراقی، مسعود (1387) " سلام معماری "صفه 28 ، سال نهم.
- 35 - پیرنیا، محمد کریم (1384) " سبک شناسی معماری ایرانی "تهران، نشر سروش دانش.
- 36 - چرمایف، سرچ و الکساندر کریستف، (1376) " عرصه های زندگی جمعی و خصوصی "مزینی، تهران، دانشگاه تهران.
- 37 - زارعی، محمد ابراهیم (1342) " آشنایی با معماری جهان "تهران، نشر فناوران.



- 38- سلطان زاده ، حسین (1371) " فضاهای ورودی خانههای قدیم تهران " تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- 39- سلطان زاده ، حسین (1372) " فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران " تهران، شهرداری تهران.
- 40- قبادیان، وحید (1382) " معماری دارالخلافه ناصری سنت و تجدد در معماری معاصر تهران " تهران، نشر پشتون.
- 41- معاریان، غلامحسین (1384) " سیری در مبانی نظری معماری " تهران، سروش دانش.
- 42- اعتماد السلطنه، محمدحسن ابن علی (1370). روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه. به کوشش فرخ سرآمد، تهران:نوبین.
- 43- ایرج الدوله، علی ابن محمد (1370). خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمان، زیر نظر ایرج افشار، تهران:امیر کبیر
- 44- عبد الجلیل، اکبر بن (1345). « جغرافیای شمیران ». مجله یغما، 222 – 553 – 558
- 45- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (1363). ایران و ایرانیان:خاطرات و سفر نامه ساموئل گرین ویلر بنجامین ، نخستین سفیر امریکا در ایران در سال های 1883_1885. به اهتمام رحیم رضا زاده ملک، تهران، گلبانگ
- 46- دهخدا، علی اکبر (1337). لغت نامه. زیر نظر محمد معین، تهران:دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه دهخدا
- 47- دیولافوا، ژان (1376)، سفر نامه:خاطرات کاوش های باستان شناسی شوش – از 1884-1886 ترجمه ایرج فره وشی ک تهران، دانشگاه تهران
- 48- ستوده، منوچهر (1365). « باغ فردوس ». پژوهش های ایران شناسی (نامواره دکتر محمود افشار)، جلد 2، به کوشش ایرج افشار، با همکاری کریم اصفهانیان و محمد رسول دریا گشت، تهران بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. 1016 – 1020.
- 49- ستوده منوچهر(1374)، جغرافیای تاریخی شمیران. تهران پژوهشگاه موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- 50- سمسار، محمد حسن (1386). سیمای تهران، جلد 1، تهران، زربیران، موزه عکس خانه شهر
- 51- کلوی، ایلاز (1388). « احیای محوطه تاریخی، فرهنگی باغ فردوس » نشریه الکترونیکی معماری منظر، 42.
- 52- مستوفی، عبد الله (1360). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زوار
- 53- معتمدی، محسن (1381). جغرافیای تاریخی تهران، تهران مرکز نشر دانشگاهی تهران
- 54- معیر الممالک دوستعلی (1361). رجال عصر ناصری. تهران، نشر تاریخی ایران.
- 55- (1361). وقایع الزمان، (خاطرات شکاریه). به کوشش خدیجه مافی، تهران،نشر تاریخی ایران
- 56- (1388). یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصر الدین شاه. تهران، نشر تاریخی ایران
- 57- معیری، محمد علی (1352). « باغ فردوس ». مجله یغما، 303، 529 – 532
- 58- (1376) « باغ فردوس و عمارت شهری معیر الممالک دو بنای تاریخی از تهران قدیم »، مجله کلک، شماره 89-93، 261-26859
<http://memarbashi77.blogfa.com>